



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

پژوهشکده مطالعات اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی گرایش پژوهشگری

سنخ‌شناسی مفهوم دورویی در روابط اجتماعی دانشجویان دانشگاه‌های تهران

استاد راهنما:

جناب دکتر سید جواد میری

استاد مشاور:

جناب دکتر سید بیوک محمدی

پژوهشگر:

سیما کاظمی

خردادماه ۱۳۹۶





وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

پژوهشکده مطالعات اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی گرایش پژوهشگری

سنخ‌شناسی مفهوم دورویی در روابط اجتماعی دانشجویان دانشگاه‌های تهران

استاد راهنما:

جناب دکتر سید جواد میری

استاد مشاور:

جناب دکتر سید بیوک محمدی

پژوهشگر:

سیما کاظمی

خردادماه ۱۳۹۶

تقدیم بہ آن کہ:

« نمودش »

سراسر « بود » است...

چکیده

گسترش روابط اجتماعی و در کنار آن پیچیده شده این روابط ، انسان را ناگزیر از پذیرش نقش‌های گوناگون می‌کند که هر کدام از این نقش‌ها تعریف‌های مشخص و متفاوتی در خود دارند. افراد در درون یک نقش قرار می‌گیرند علاوه بر اجرای آن نقش ، با هدف ، با اجرایی منفعت دار ، سعی می‌کنند ویژگی‌های آن نقش را به بازی بگیرند یا به گونه‌ای عمل کنند که از آنچه هستند متفاوت باشند و بروزی جعلی از خود نشان می‌دهند تا به مقصود و هدف خاصی برسند و به گونه‌ای ذهن مخاطب را به بازی بگیرند. برای دست‌یابی به این هدف در ابتدا تلاش شد تا واژه دورویی از نگاه کنشگران تعریف شود و در واقع هدف اصلی یافتن تعریف دورویی در روابط اجتماعی جوانان بوده است که علاوه بر شناخت آن ، به ارائه سنخ‌ها و گونه‌های آن پرداخته شد. این پژوهش با روش کیفی در چهارچوب پارادایمی اشتراوس و کربین ، روش نظریه زمینه‌ای، و با تکنیک مصاحبه‌ی عمیق نیمه ساخت یافته از ۲۰ دانشجوی علوم اجتماعی دانشگاه‌های سطح تهران انجام شده است. برای تحلیل داده‌ها بر اساس پارادایم اشتراوس و کربین از کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن که دورویی رفتاری است که چهار مشخصه اصلی دارد، چرخش رفتاری ، وارونه نشان دادن حقیقت، مدیریت رفتار و تعارض میان عمل و گفتار که علاوه بر این تعریف علل و پیامدهای این رفتار نیز توضیح داده شده است و در نهایت با توجه به تحلیلی که از این کار به دست آمده به ارائه سنخ پرداخته شد و در نهایت شش سنخ رفتارهای ریاکارانه شناخته شد.

واژگان کلیدی : سنخ‌شناسی، دورویی، جوانان، نظریه زمینه‌ای، پیامد، دلایل

فهرست

۱	پیشگفتار	✓
۳	کلیات	✓
۵	بیان مساله	
۹	اهمیت و ضرورت مساله	
۱۱	اهداف پژوهش	
۱۱	انگیزه ی پژوهش	
۱۲	سوال های تحقیق	
۱۲	تعریف مساله	
۱۳	ابعاد تعریف	
۱۳	تحدید موضوع	
۱۶	سنخ شناسی	
۱۸	ملاحظات نظری	✓
۱۸	زیمل	
۱۹	گافمن	
۲۸	استف لالر	
۲۹	مسعود چلبی	
۳۰	نعمت الله فاضلی	
۳۱	علی شریعتی	
۳۱	مقصود فراستخواه	
۳۲	جمع بندی ملاحظات نظری	
۳۴	روش انجام تحقیق	✓
۳۴	ضرورت استفاده از روش کیفی	

۳۸	تحقیق پیشین یا اولیه
۳۸	نمونه گیری تحقیق اولیه
۳۹	نمونه گیری
۴۱	تکنیک جمع آوری داده
۴۱	مصاحبه
۴۱	یادداشت برداری
۴۲	تحلیل دادهها
۴۳	کدگذاری محوری
۴۴	کدگذاری گزینشی
۴۴	روایت داستان
۴۴	ارزیابی اعتبار
۴۶	یافته ها ✓
۴۷	تعداد مصاحبه ها
۴۷	توصیف پاسخگویان
۵۰	توصیف مفاهیم
۵۲	کدگذاری محوری
۵۳	پدیده
۵۷	ابعاد پدیده
۵۹	دلایل
۶۵	علل زمینه ای
۶۹	شرایط میانجی یا مداخله گر
۷۲	استراتژی، تعامل یا کنش متقابل
۷۵	پیامد ها
۸۰	مدل پارادایمی
۸۲	بیان نتایج ✓

- ٨٢ سوال اول
- ٨٢ سوال دوم
- ٨٥ سوال شماره سه
- ٨٥ سوال شماره چهار
- ٨٦ سوال شماره پنج
- ٨٧ منابع ✓

پیشگفتار

شروع این پژوهش با اجبار برای فکر کردن به دغدغه های روزانه و برجسته کردن یکی از آنها و بررسی علمی آن در کلاس روش تحقیق جناب دکتر علیرضا تاجداری اتفاق افتاد که در ادامه تبدیل به یک مساله ی پر رنگ در ذهن اینجانب شد. برای یافتن لایه ای روشن در این پژوهش با اساتید زیادی صحبت شد و از راهنمایی های آنها استفاده شد که مراتب سپاسگزاری خود را از همه ی آنها به جا می آورم. ابتدا از استاد راهنما خود جناب دکتر سید جواد میری که مهربانانه بستر لازم برای اندیشیدن را فراهم کردند و استاد مشاور، جناب دکتر سید بیوک محمدی سپاسگذاری می کنم. همچنین از سرکار خانم ناهید موید حکمت که علاوه بر همکاری لازم به عنوان رئیس پژوهشکده، مرا از راهنمایی های خویش محروم نساختند نیز تشکر می کنم. در نهایت از جناب دکتر سالار کسرائی که زحمت داوری این کار را بر عهده داشتند نیز سپاسگزارم. امید است این پژوهش، هر چند پر خطا، قدمی باشد برای روشن تر شدن تفسیری از اندیشه ی کنشگران و به خود گوش زد می کنم که یافتن خوب است، اگر بدانیم «حقیقتی» را یافتیم نه کل «حقیقت» را.

کلیات

مقدمه

یکی از مهمترین موضوعاتی که بخش بزرگی از تحقیقات جامعه‌شناسی را به خود اختصاص داده‌است، عرصه‌ی تعاملات و کنش‌های روزمره‌ی افراد است. این عرصه شامل گفتگوها، برداشتها، تاثیرها، نفوذاها، دوست‌داشتن‌ها و... است. در واقع این کنش به عنوان واحد اساسی مطالعات اجتماعی شامل هر گونه رفتاری می‌شود که در محیط اجتماعی و در تعامل با دیگر افراد اتفاق می‌افتد. این عنصر اولیه، مایه‌ی اساسی تداوم جامعه است. در واقع در تعاملات روزمره‌ی ما شکل کنش‌ها ساخت و تعریف مشخص پیدا می‌کند و هر انسان با توجه به ظرفیت‌های خلاقانه‌ی وجودیش به آن کنش، شکل خاصی می‌دهد و آن را از دیگری متمایز می‌کند و از طرفی همین خلاقیت‌ها بر روی شکل ساختار جامعه نیز تاثیر می‌گذارد.

موضوع پژوهشی این رساله، «سنخ‌شناسی دورویی از دید دانشجویان علوم اجتماعی» است. این موضوع در ابتدا از دغدغه‌ای شخصی در تعاملات روزمره نشأت گرفت و در ادامه‌ی مطالعات و مشاهداتی که از تعاملات دیگران انجام شد، محقق را بر آن داشت تا از منظری تخصصی در بستر پژوهشی جامعه‌شناسانه به موضوع نگاه افکند. مفهومی که در ابتدا برای این موضوع ساخته شد «تفاوت بین بود و نمود» بود. این مفهوم دارای مزیت‌ها و معایبی بود که از جمله‌ی مزیت‌های آن بار مثبت مفهوم بود که باعث می‌شد مخاطب از نگاه تک‌بعدی به موضوع یعنی صرفاً دارا بودن کارکرد منفی و ارزش‌گذاری منفی نسبت به موضوع پژوهش دور شود و به نوعی نگاه فارغ از ارزش را به بار می‌آورد و از جمله معایب آن می‌توان به سخت فهم بودن مفهوم برای مخاطب و عدم تطابق ادبیات موجود علمی در گستره‌ی موضوع این پژوهش با چهارچوب معنایی مفهوم بود و نمود اشاره کرد. بنابراین، الزام به استفاده از پیشینه و منبع موجود در ادبیات حوزه جامعه‌شناسی کنش متقابل نمادین، محقق را بر آن داشت تا مفهومی که هم به لحاظ معنایی دغدغه و مساله‌ی اصلی موضوع پژوهش را در بر داشته باشد و هم در چهارچوب ادبیات این حوزه‌ی جامعه‌شناسی وجود داشته باشد را برگزیند. بنابراین مفهوم «دورویی» به عنوان زمینه‌ی اصلی پژوهش این رساله انتخاب شد.

در این پژوهش، کنش متقابل به عنوان اساسی‌ترین هسته‌ی پژوهش در نظر گرفته شده است و قلمرو اصلی این موضوع به حوزه‌ی کنش متقابل نمادین در جامعه‌شناسی مربوط می‌شود و البته به دلیل اهمیت داشتن عامل انسان در این تعاملات، نقش روانشناسی اجتماعی نیز بسیار پررنگ می‌باشد.

همه‌ی ما در تعاملات روزمره با ادبیاتی روبه‌رو شده‌ایم که «ایرانی‌ها، افراد به اصطلاح روراستی نیستند» یا «رو و پشت آنها با هم متفاوت است» یا به صورت کلی «دورویی کردن ویژگی ایرانیان است» و از طرفی بسیاری از اشعار و ضرب‌المثل‌هایی وجود دارد که مویید این ادبیات در میان مردم است. فراوانی حضور کلماتی همچون ریا، نفاق و دروغ در فحوای گفت‌وگوها، سخنرانی‌ها، اشعار و ادبیات عامه مردم نیز می‌تواند نشانه‌ای از وجود یک رفتار خاص تعمیم‌یافته در بین افراد جامعه باشد. همچنین این برداشت باعث ایجاد سوگیری‌های منفی، برخوردهای عاری از اعتماد و یا سرخوردگی‌های ناشی از این گونه اعتماد به دیگران در روابط اجتماعی شده است. در واقع پیامدهای این باور در میان مردم، محقق را بر آن داشت تا موضوع را در قالب یک پدیده‌ی اجتماعی بررسی کند. اما زمانی که این ادبیات را به درون جامعه‌شناسی منتقل می‌کنی، در ادبیات جامعه‌شناسی نه واژه‌ی مناسبی برای آن پیدا می‌کنی و نه ادبیات نظری که توضیح دهنده یا توجیه‌کننده‌ی این رفتار باشد. پس در جریان این پژوهش کیفی تعریف ابعاد این پدیده و ساخت ادبیات موضوع نیز، علاوه بر سنخ‌شناسی پدیده از الزامات مورد نیاز می‌باشد.

به بیان جامعه‌شناسی می‌توان گفت امروزه در تعاملات روزمره‌ی خود با رفتارهایی روبه‌رو هستیم که خالی از واقعیت افراد است. در واقع زمانی که افراد درون یک نقش قرار می‌گیرند، ارزش‌های درونی خود را پنهان می‌کنند و هنجارهای غالب آن نقش را اجرا می‌کنند به شکلی که با واقعیت آنها متفاوت است و خالی از یک باور عمیق در درون فرد است و این امر با اهدافی از قبیل کسب منفعت شخصی، تغییر نگرش و جهت دادن باور و نگرش در تعاملات صورت می‌گیرد. برخورد با کنشگرانی که لحظه به لحظه شکل عوض می‌کنند یا نقاب از صورت بر می‌دارند و نقابی دیگر بر صورت می‌گذارند به گونه‌ای است که انسان را از تعامل برابر، همسو، حاوی صداقت و اعتماد دور می‌کند. از طرفی هنجار شدن خاموش و گسترش این پدیده در تمام سطوح جامعه از خرد تا کلان، هر انسانی که طالب رفتار صادقانه باشد یا ارزش‌های انسانی برایش اهمیت داشته باشد را درگیر می‌کند. به گونه‌ای که یافتن واقعیت، حتی برای خود فرد نیز دشوار می‌شود و این امر موجب از بین رفتن پایه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و همچنین مشکلات هویتی و روحی حتی برای خود فرد می‌شود و این امر در نهایت سلامت اخلاقی و اجتماعی جامعه را به خطر می‌اندازد.

بیان مساله

با گسترش جوامع و به وجود آمدن جوامع پیچیده، نظام تعاملات جامعه نیز پیچیدگی‌های بسیار زیادی پیدا کرده است. در این تعاملات افراد تلاش می‌کنند ظرفیت‌های وجودی خود را به نمایش بگذارند. زمانی که این ظرفیت وجود ندارد یا بستر جامعه، فضای لازم برای بروز این ظرفیت را ندارد یا نمی‌تواند داشته باشد، انسان تصویر نیمه‌کاره یا مخدوشی از خود را به نمایش می‌گذارد. ما امروزه در تعاملات روزمره‌ی خود شاهد شکل‌گیری گستره‌ای فزاینده از پدیده‌ای هستیم به نام «دورویی» که افراد تلاش می‌کنند «خود واقعی» خود را نشان ندهند یا تصویر نیمه‌کاره یا غیر واقعی از خود نشان دهند تا به منافعی برسند. مثال‌های بسیار زیادی وجود دارد از اینگونه تعاملات که هر روزه ما شاهد آن هستیم که در تمام سطوح جامعه اتفاق می‌افتد افرادی که تمام تلاش خود را می‌کنند تا چیزی که نیستند را نشان دهند یا آن چیزی که هستند را پنهان کنند. این ویژگی مختص به زمان اکنون ما نبوده است و ردپای آن را می‌توان در ادبیات این مرزوبوم نیز پیدا کرد.

ادبیات ایران با قدمتی بیش هزارسال دارای منابع بسیار غنی از اشعار، حکایت‌ها، ضرب‌المثل‌ها و... است که نه تنها بازگوکننده فرهنگ زمان خویش، بلکه دارای ویژگی‌هایی فرازمانی و فرامکانی نیز می‌باشند. در این میان ضرب‌المثل‌هایی نظیر شریک دزد و رفیق قافله، بوقلمون صفت بودن، خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو، از جمله ضرب‌المثل‌هایی که به نقش فرد گرایی و خود محور بودن در تعاملات اشاره دارد. خانم موید حکمت در پروژه ارزش‌های بارز فرهنگی در مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی اشاره می‌کنند که ۴۰,۹ درصد از مضمون‌ها شامل توصیه به خرد گرایی می‌شود که اشاره به موقعیت‌شناسی، احتیاط، تجربه‌اندوزی و ضابطه‌مندی و اعتدال است. در منابع شعر نیز نمونه‌های بسیاری داریم که به بیان این پدیده در روابط اجتماعی اشاره می‌کنند و مخاطب خویش را نهیب زده است از دورو بودن و ریاکار بودن. در اشعار شاعرانی نظیر مولانا، سعدی، حافظ و... اشعاری وجود دارد که بیان‌کننده این ریاستیزی در فرهنگ و ادبیات بوده‌اند.

واعظان کین جلوه در محراب و منبر می‌کنند چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند (حافظ)

کجا باشد دورویان را میان عاشق جایی که با صد رو طمع دارد ز روز عشق فردایی (مولانا، غزل ۲۵۵۲)

باده نوشی که در او روی و ریایی نبود بهتر از زهد فروشی که در او روی و ریاست (حافظ)

من و هم صحبتی اهل ریا دورم باد

از گرانان جهان رطل گران ما را بس (حافظ)

به اندازه‌ی بود باید نمود

خجالت نبرد آن که نمود و بود (سعدی، بوستان، بای پنجم)

واژه‌ی ریا و واژه سالوس در اشعار حافظ دیده می‌شود.

واژه «سالوس» را اهل لغت «مردم چرب زبان و ظاهرنا فریب دهنده و مکار و محیل و دروغگو و فریبنده و شیاد» معنی کرده اند و گفته اند: «از فارسی تعریب شده و به معنی خادع و خدعه» آمده است. (نیاز کرمانی، ۱۳۹۶، ۱۹۷)

حافظ سالوس را مترادف و هم معنی با ریاکار بکار می‌برد. ریا یا رئا واژه‌ی قرآنی است که بارها در قرآن مجید آمده و در آن همواره ریاکاران مورد نکوهش قرار گرفته است.

«پیامبر گرامی (اسلام) از ریا به معنی «شرک اصغر» و به قول امام محمد غزالی «شرک کهن» تعبیر فرمود و علمای اخلاق ریا را آفت اخلاص و دین و اخلاق دانسته اند» (پیشین: ۱۹۸)

با توجه به تعبیر و معانی قرآن درباره سالوس و ریا چنین استنباط می‌شود که شرک یا کفر، گناهی بزرگ تر از «ریا» نیست و این درست همان اعتقادی است که حافظ دارد.

انگیزه اصلی این سالوس ستیزیهای حافظ و مبارزه با ریا، بی‌شک انحطاط ارزشهای اخلاقی و رواج ریا بوده است که در عصر نابسامان حافظ وجود داشته و حافظ که مردی دیندار و پای بند به اصول و موازین شرعی و اخلاقی بوده از دیدن چنین اوضاع نابسامان سخت رنج می‌برده است.

«در این میان واعظان بی عمل و زاهدان ریاکار و صوفیان بی اخلاق هیچ گاه از دم تیغ تنبیه و طنز خواجه دور نبوده اند و به طور مکرر مورد انتقاد کوبیده قرار گرفته اند. حافظ منتقد و مصلح اجتماعی است و هم در کار و بار شریعت و هم درباره طریقت از صوفی، زاهد و پیروان طریقت و خانقاه و خرقة و اینها را می‌بیند که چقدر مضمون می‌سازد و معنا پروری می‌کند و چقدر انتقاد طنز آمیز خوبی دارد. چون حافظ هوشمندانه فهمیده بود انتقاد و نصیحت اصلا تکلف آمیز و تلخ است و توی کت کسی نمی‌رود. انتقاد هم به همین گونه تا بجنبی می‌شود هجو، به جنبی می‌شود بدگویی از یک عده، می‌شود غیبت، و اهانت به غیر و هیچ جاذبه‌ای ندارد. این بوده که حافظ آمده طنز را بر این اضافه کرده بوده است» (خرمشاهی، ۱۳۷۲: ۱۶۵)

زمانی که این اشعار مورد بررسی قرار می‌گیرند، نوع دورویی که در این اشعار وجود دارد و بیانگر درویی با ریشه‌های مذهبی که بیشتر از سوی مبلغان و واعظان مذهب رخ می‌دهد. این پدیده در حالی اتفاق می‌افتد که ما در تعالیم مذهبی خود آموزه‌هایی داریم که ما را به شدت از داشتن چنین ویژگی منع می‌کند.

در کتاب «گناهان کبیره» پاره ای از آیات و روایات بر کبیره بودن گناه ریا ذکر شده است. در سوره بقره می فرماید: «ای کسانی که ایمان آوردید صدقات و بذل مال در راه خیر، خود را با منت گذاشتن و آزار رسانیدن به گیرنده، باطل نکنید. مانند کسی که مالش را برای خودنمایی به مردم انفاق می کند و به خدا و روز واپسین ایمان ندارد و مثل آن ریاکار مثل سنگ صافی است که بر آن خاکی بوده و باران سختی بدان رسیده، آن را صاف به جای گذاشته، اینان توانایی بهره برداری از آنچه فراهم آورده اند ندارند و خداوند گروه کافران را رهبری نمی فرماید.» (دستغیب، ۱۳۸۸: ۳۸۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْلُغُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ مِثْلَهُ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ. (بقره/۲۶۴)

اما ردپای مفهوم دورویی به عنوان یک پدیده اجتماعی در آثار و نوشته ها و پژوهش های معاصر مورخان و جامعه-شناسان ایرانی نیز می توان پیدا کرد.

دکتر کاتوزیان در کتاب «ایرانیان» بیان می کنند: «ایرانیان به ندرت ظاهر یک پدیده، نظر یا پیشنهاد را می پذیرند. آنها باور دارند یک امر گمراه کننده ای در زیر آن نهفته است. یکی از نمود های این موضوع نوع تعارفات خاص زبانی است» (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۲۰)

«دکتر چلبی معتقد هستند وقتی ایرانی ها از جامعه ی خود انتقاد می کنند در میان خصوصیت های مختلف منظومه ای از صفات منفی را ذکر می کنند که اغلب به تجار و سیاستمداران ایرانی نسبت داده می شود. این صفات برای افراد شهری به خصوص کسانی در نظر گرفته می شود که به طبقه ی متوسط یا مرفه تهرانی ها و اصفهانی ها تعلق دارند. این افراد نمایانگر فردی است زرننگ؛ حسابگر؛ فرصت طلب؛ متظاهر یا دورو؛ زد و بند چی؛ چرب زبان؛ پشت هم انداز یا چاخان. عنصر اصلی این صفات نیت پنهانی است که از ناهمخوانی نیت و رفتار افراد حکایت می کند. (چلبی، ۱۳۹۲: ۹)

از دید دکتر چلبی در جامعه ی ایرانی که پیشرفت و امنیت در آن بستگی به برقراری تعادل ماهرانه میان عوامل متعدد؛ حسابگری؛ اداره ی دقیق و اغلب دورویی قابل ملاحظه دارد؛ نوعی احساس دلتنگی نسبت به وضعیتی که در آن؛ رفتار بیان مستقیم احساسی منفرد و روشن باشد؛ وجود دارد. دکتر چلبی نیز این فرایند را جزیی از شخصیت ایرانیان

دانسته و ریشه‌ی این مساله را حتی در باورهای اسلامی نیز دیده اند و ایشان مثال تقیه را می زنند و یا ویژگی که بدی و فساد را برای دیگران بد دانسته و زمانی که این اتفاق برای خود یا یکی از نزدیکان می افتد زشتی یا شدت آن کاسته می شود. ایشان داستانی از صادق هدایت نقل می کنند (مردی که هوای نفس خود را کشت) که شخصیت معلم در آن عملش با آموزه هایش بسیار متفاوت است. و یا شخصیت برخی از بازاریان که فشار حاکم بر محیط کار آنها را وادار به نمایش یکسری ویژگی هایی از قبیل دین دار بودن، صرفه جویی و... می کند اما زندگی خصوصی آنها کاملاً متفاوت با آن است. صفای باطن نقطه ی مقابل ریاکاری است و این ویژگی به کسی نسبت داده می شود که ظاهر و باطن او با هم مطابقت داشته باشد. در واقع یک انسجام پنهانی میان درون و بیرون وجود داشته باشد. از نظر دکتر چلبی مساله بر سر تعمیق ابهام است در واقع پذیرفتن این که واقع بینی؛ حسابگری و زرنگی ضرورت های هستند که باید در جامعه وجود داشته باشند و در همان حال تمایل به صفای باطن؛ پارادوکس هایی به وجود می آورد.

دکتر مقصود فراستخواه در کتاب «ما ایرانیان» از خلیقات مختلف ایرانیان صحبت کرده اند و از یک شبکه ی روابطی از مسایل، علل و پیامد های آن یاد کرده اند و یکی از مهمترین خلیقات منفی ایرانیان را دورویی و تظاهر معرفی کرده اند و همچنین عللی نظیر شرایط استبداد، ناپایداری و... را جز علل آن معرفی کرده اند. همچنین ایشان معتقدند «امر اخلاق عمومی در جامعه ی ما ایدئولوژیک شده و نوعی اخلاق محتسبی به جای اخلاق اجتماعی نشسته است» (فراستخواه: ۱۳۹۴، ۱۹۸)

در کتاب ما ایرانیان به این موضوع اشاره شده است که در پژوهش های رفتار ملی زمانی که از مورد های پژوهش پرسیده شده بود، مشکل رفتار مردم چیست؟ «در درجه ی نخست معتقد بودند مشکل خلیقات ما در پیوند زدن میان منافع فردی و عمومی است. افراد بیشتر گرایش دارند تا گلیم خود را از آب بیرون بکشند. در درجه ی بعد فاصله ی میان ظاهر و باطن و بین اظهارات و رفتارهای واقعی به منزله ی مشکل اصلی قلمداد شد» (فراستخواه: ۱۹۳۴، ۲۱) در همان پیمایش «در سال ۱۳۷۹ حدود ۶۸ درصد از پاسخگویان گفته اند در جامعه ی ما دورویی و تظاهر وجود دارد و در ۱۳۸۲ هم همینطور» (پیشین: ۱۹۳)

تا اینجا بحث سعی شد به موضوعاتی اشاره شود که بیانگر وجود گستره ی پدیده دورویی هم در فرهنگ، هم در سیر تاریخی و هم در سطوح جامعه ایران است. اما برای اینکه این پدیده در قالب مساله اجتماعی مورد بررسی واقع

شود، آن را در نظریات میلر و مرتن ارزیابی کرده ایم.. از دید میلر برای پروبلماتیک کردن یک پدیده چند شاخصه لازم است.

اهمیت و ضرورت مساله

اهمیت بررسی این موضوع به عنوان رساله کارشناسی ارشد را می توان از دو بعد ارزیابی کرد. اول از بعد نظری که به صورت خلاصه می توان به عمومیت داشتن این مساله در تمام سطوح جامعه، فاصله گرفتن از شرایط ایده آل و آرمانی یک جامعه و تبدیل شدن این پدیده به یک الگوی رفتاری ثابت شده در تعامل افراد و در نهایت رسیدن به یک نظم تعاملی که نظمی کاذب بوده و پیامدهای بسیار مخربی نظیر، افزایش بی اعتمادی، اختلال در روابط اجتماعی و... دارد اشاره کرد.

اهمیت بررسی این موضوع در چهارچوب علوم اجتماعی تنها مختصر به جایگاه این موضوع در تعاملات و کارکردهای منفی که برای جامعه دارد نمی شود. نگاه کمی در چهارچوب پیمایش های ملی با دید کلان نسبت به این موضوع و اینکه هیچ گاه با رویکرد کیفی و تفسیری و از دید کنشگران به موضوع نگاه نشده است نیز بر اهمیت مطالعه با رویکردی کیفی در این پدیده می افزاید.

از طرفی دیگر میلر در کتاب راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی برای بررسی یک موضوع و اهمیت داشتن آن موضوع ۶ عامل در نظر می گیرد.

- (۱) به موقع بودن: امروزه با گسترش استفاده از فضای مجازی و بروز تعاملات اجتماعی در یک بستر شیشه ای، می توان این برداشت را داشت که حوزه حخصوصی افراد کاهش پیدا کرده است و دیگر نمی توانند واقعیت خود را پنهان نگاه دارند. برای مثال می توان به افشاگری های انتخاباتی اشاره کرد
- (۲) مربوط به مساله ای عملی و جمعیت بزرگ بودن: این پدیده در تعاملات تمام سطح جامعه دیده می شود و پیامدهای قابل لمس و اندازه گیری دارد.
- (۳) مربوط به جمعیت پرنفوذ و سرنوشت ساز بودن: برای پرنفوذ بودن و یا سرنوشت ساز بودن می توان شاخص های متفاوتی در نظر گرفت. از نظر محقق شیوع این پدیده یا حتی آموزش این پدیده به کودکان و بازتولید آن در رفتار آنها می تواند به سرنوشت ساز بودن این گروه از جمعیت جامعه مرتبط باشد.

۴) تصریح تعریف مفهوم: همانطور که بیان شد این پدیده در ادبیات جامعه شناسی، به صورت مشخص و تصریح شده وجود ندارد.

۵) داشتن استلزامات فراوان برای طیف وسیعی از مسائل جامعه: یکی از مهمترین دلایل پرداخت به این موضوع، پیامدهایی است که از این موضوع منتج می شود و بسیار برای افراد و جامعه مخرب می باشد.

۶) پر کردن شکاف پژوهش: همانطور که در مقدمه نیز بیان شد، همواره، اگر، به این موضوع در ادبیات جامعه شناسی نگاه شده باشد، با نگاه کلان کمی و از طریق پیمایش این بوده است. اما در پژوهش از نگاه کنشگر، در یک رویکرد تفسیری به این موضع پرداخته می شود. (برای شاخص ها: میلر، ۱۳۸۰: ۳۳)

از جنبه ای دیگر باید ثابت کرد این مساله به عنوان یک مساله ای اجتماعی قابلیت پژوهش دارد و می تواند عنوان شود. رابرت مرتن در کتاب مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه شناسی چند اصل را برای یک موضوع در نظر گرفته است که اگر آن موضوع آن ویژگی ها را داشته باشد می تواند در قالب مساله ای اجتماعی بروز پیدا کند:

▪ اختلاف میان ارزش های اجتماعی و واقعیت موجود: در ارتباط با پدیده ای دورویی همانطور که دکتر چلبی در بالا گفتند، صفای باطن به عنوان ملاک اصلی رفتار شناخته می شود و دروویی نقطه ای مقابل این دیدگاه است

▪ منشا اجتماعی داشتن: پدیده ای درویی به عنوان یک مساله ای که خود، علت های پدیده و همچنین پیامدهای آن از جمله مواردی است که در اجتماع اتفاق می افتد. در واقع بستری اجتماعی و فرهنگی دارد.

▪ قضاوت درباره ای مساله ای اجتماعی از دید اکثریت جامعه: این جا موضوعی که مطرح می شود این است که این مساله از دید عموم مردم مساله ای بد، آزار دهنده و... است اما هیچ گاه به دنبال حل این مساله نبوده اند و تنها در قالب جملاتی شعرگونه و یا طعنه آمیز آن را بیان کرده اند. این مساله مرا به این سو هدایت کرد که شاید علت اصلی این پدیده غرق شدن افراد در این موضوع و وجود انتفاع در این مساله است. « حتی از نظر بعضی صاحب نظران، پذیرش همه جانبه مسائل از سوی مردم و نداشتن مسأله اجتماعی، خود نشانگر یک مسأله اجتماعی - بی تفاوتی عمومی - است.» (مرتن، ۱۳۸۵: ۱۳)

▪ قابلیت اصلاح داشتن: این پژوهش در جهت شناخت موضوع اتفاق می افتد و امید است بتوان با روشن کردن ابعاد پدیده، علت ها و پیامد بیرون آمده از آن، به تغییر الگوهای فرهنگی و اجتماعی غلط دست زد.

اهداف پژوهش

اهداف این پژوهش در دو حوزه تعریف شده اند:

- اهداف علمی و درونی تحقیق: به صورت کلی مهم ترین هدف این تحقیق ارائه ی تعریف و سنخ شناسی از دورویی در نگاه جوانان می باشد. در واقع به دنبال تعریفی از دورویی در میان ذهنیت جامعه و کنشگران آن هستیم که پس از نشان دادن این تعریف شکل هایی که این موضوع در نگاه آنها وجود دارد برای ما اهمیت پیدا می کند.
- اهداف اجتماعی و بیرونی: همانطور که ذکر شد بررسی موضوع دورویی در جامعه ایران همواره قسمت کوچکی از یک پیمایش بزرگ بوده است که به آن به شکل کمی و از بیرون نگاه شده است. هیچ گاه به درون موضوع تحقیق از دید کنشگران و با رویکردی تفسیری پرداخته نشده است. در واقع یکی از مهمترین اهداف این رساله بیان این موضوع به عنوان پدیده ی اجتماعی از دید خود کنشگران و میان ذهنیت آنها است که این موضوع می تواند نقطه ی آغازی برای تحقیقات بعدی هم در این حوزه و هم در حوزه ی علت ها و پیامدهایی که این موضوع باعث آن می شود، باشد.

انگیزه ی پژوهش

انگیزه و انرژی که محقق را بر آن داشت تا این موضوع را به عنوان موضوع رساله ی خود قرار دهد، اول از همه و مهمتر از همه، دغدغه شخصی و مشکلاتی بود که این موضوع برای او در روابط اجتماعی خود با خانواده، دوستان، همکاران و... به وجود آورده بود. در جریان تجربه ی زیسته ی محقق عمومیت موضوع در جامعه قابل پیش بینی و درک بود اما هیچ پژوهش روشن و مشخصی با این موضوع در میان پژوهش های صورت گرفته، رساله های دانشگاهی و کتاب های حوزه جامعه شناسی وجود نداشت بنابراین انگیزه دیگر چیزی نبود جز کمبود منابع و متن های تخصصی جامعه شناسی در ارتباط با این موضوع که وی را سرشار از انرژی برای جستجو و نگاه ویژه به این پدیده کرد تا بلکه بتواند با تعریفی برآمده از متن کنشگران جامعه، پدیده موضوع پژوهش را معرفی کند و ادبیات علمی آن را ایجاد بنماید.

سوال های تحقیق

آنچه در این پژوهش مورد سوال قرار گرفته در ارتباط با چیستی و چگونگی پدیده دورویی است. در این مسیر سوال پرسیدن، هدف رسیدن به تعریف و انواع دورویی است. در واقع سنخ ها، دلایل رفتار و پیامدها از مسیر این سوال ها بیرون می آیند.

- دورویی از دید افراد مورد مطالعه چگونه تعریف می شود؟
- چه گونه هایی از دورویی وجود دارد؟
- این رفتار در چه موقعیت هایی اتفاق می افتد؟
- دلایلی که افراد تلاش می کنند دورو باشند چیست؟
- از نگاه افراد این چه پیامدهایی در حوزه فردی و جامعه دارد؟

تعریف مساله

در ادبیات جامعه شناسی دورویی را در واقع اینگونه تعریف می کنند که فرایندی است که فرد در یک نقش ، رفتار یا ویژگی را به خود اختصاص می دهد که با تکالیف آن نقش همخوانی ندارد و فرد مجبور است بروز دروغینی نشان بدهد تا به هدف مشخصی نظیر به دست آوردن تایید اجتماعی ، منافع مالی ، سرمایه اجتماعی یا تغییر جهت فکری برسد. در واقع فرد در فرایند به عهده گرفتن نقش به گونه ای رفتار می کند که با هویت شخصی فرد کاملاً در تضاد است و مخاطب را فریب می دهد.

به بیان دیگر زمانی که افراد در درون یک نقش قرار میگیرند علاوه بر اجرای آن نقش ، با هدف ، با اجرایی منفعت دار ، سعی می کنند ویژگی های آن نقش را به بازی بگیرند یا به گونه ای عمل کنند که از آنچه هستند متفاوت باشند و بروزی جعلی از خود نشان می دهند تا به مقصود و هدف خاصی برسند و به گونه ای ذهن مخاطب را به بازی بگیرند. این موضوع یک موضوع کاملاً انتزاعی است و آگاهی فرد به این موضوع چندان آشکار نیست اما مظاهر مختلفی در لباس ، بیان عقاید ، ظاهر (صورت) و سطح علایق دارد.

خودی که مد نظر من است یک خود آگاه است که هویت یکپارچه ای ندارد و همزمان در فراسوی نقش های مختلف تغییر جایگاه داده و شکل جدیدی از آن را برای خود ارایه می دهد.

به صورت کلی این گونه تعریف می شود که :

«دورویی» فرایندی است که فرد با هدف مشخص در مسیر انجام یک رفتاری بر می آید که با خود واقعی فرد در تعارض می باشد و هدف جهت دادن نگرش افراد ، گروه یا سازمانی است که فرد در آن قرار گرفته است.

ابعاد تعریف

- یک نوع رفتار است که هم بعد ذهنی دارد و هم عملی
- هدفی پشت واقعیت وجود دارد.
- در همه ی عرصه ها و موقعیت ها رخ می دهد.
- فرد ، سازمان و... در مقابل آن قرار دارد.
- چیزی وجود دارد که پنهان می شود

تحدید موضوع

تهدید موضوع در دو حوزه باید اتفاق می افتاد . اول در ادبیات فارسی که واژه های مشابهی برای بیان این موضوع وجود داشت.

الف : ادبیات فارسی

اینجا موضوعی که پیش می آید شباهت های معنایی است که این مفهوم با مفاهیمی نظیر ریا، نفاق، تظاهر و... دارد.

ریا

در فرهنگ دهخدا ریا به معنی ظاهری ، ساختگی در نظر گرفته شده است. در ادامه ی این تعریف فرد ریاکار را ، اهل سمعه، آنکه کارهای نیک را برای دیدار و گوشزد مردمان کند نه برای خوش آمد خدا دانسته اند.. (ناظم الاطبا)

تزویر

دهخدا تزویر را دورویی کردن، نفاق کردن و مکر کردن و فریب دادن و غدر کردن و دروغ گفتن یا دروغی را راست نشان دادن تعریف کرده است. این واژه در قانون نیز به معنی جعل گرفته شده است که در قانون مجازات

اسلامی ماده ۵۲۳ تا ۵۳۶ به این موضوع اختصاص پیدا می‌کند «جعل و تزویر عبارتند از ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی و غیررسمی، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر این‌ها به قصد تقلب» (قانون مجازات اسلامی)

نفاق

نفاق اساساً کلمه‌ی قرآنی است و ریشه مذهبی دارد. مهمترین برداشتی که در ادبیات دینی از نفاق می‌شود به آیه ۱۳ سوره‌ی بقره بر میگردد.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ

و آیه در تفسیر، فرد منافق را اینگونه تعریف میکند که خود در موقعیت‌های مختلف (در برابر پیامبر یا یهودیان) همراه با آن موقعیت می‌داند و در جای دیگر شکل دیگری از خود نشان می‌دهد. (تفسیر البرهان، ج ۱: ۱۴۱)

اما در مقاله محسنی تبریزی و دیگران نفاق «در بیان عرفی، دورویی یا دوگانگی درون و برون و گفتار و عمل و کاربرد خاص آن در قرآن، به معنی تظاهر به اسلام همراه با کفر درونی، فقدان موضع قطعی، واحد، روشن در مسایل عقیدتی و حیاتی است. برخی دیگر نکات زیر را عناصر یا لوازم معنایی این کاربرد دانسته‌اند: نوعی کاستی و خلاء، مصلحت‌جویی، فرصت‌طلبی، خودپوشانی، تظاهر و فریبکاری، سودجویی بزدلانه، دوگانگی بیمارگونه و دور از طبیعت انسان که معلول نیاز به امنیت و احترام، فزون‌خواهی، شهوت‌طلبی و مانند آن است» (محسنی تبریزی، ۱۳۹۱، ۱۲۹). گونه‌هایی که برای نفاق ورزی در نظر گرفته شده است:

- همراهی با خرده فرهنگ‌های موجود برای دستیابی به مزایای آن یا پرهیز از پیامدهای منفی همراهی نکردن و بدون پذیرش درونی آموزه‌های آن‌ها
- همدلی، همفکری و پیوند عاطفی و ذهنی با خودی‌ها و خرده فرهنگ‌های معارض با اسلام
- این موضوع سه بخش می‌شود، ایمان آوردن، تردید، همراهی متظاهرانه